

وقتی ایمانداران می‌میرند .



خواه ما به فردوس و به برزخ اعتقاد داشته باشیم و یا خواه نداشته باشیم، پیروزی مسیح بر مرگ بعضی چیزها را تغییر داد. همه مسیحیان توافق دارند که ایمانداران پس از مرگ به عالم اموات یا دوزخ نمی‌روند. و چنانچه ما در شروع این مقاله مشاهده کردیم، عهد جدید در مورد رستاخیز جسمانی در آینده کاملاً مطمئن است. اما در مابین مرگ و رستاخیز جسمانی چه اتفاقی برای ایمانداران رخ می‌دهد؟ در دوم قرن‌تین ۵: ۱-۱۰ ما یک متن مهم را مشاهده می‌کنیم که در مورد شرایط پس از مرگ ایمانداران به نگارش در آمده است: هرگاه این خانه زمینی خیمه ما (بدن فانی پیشین ما) ریخته شود، عمارتی از خدا داریم، خانه‌ای جاودانی (یک بدن فیزیکی اما فنا ناپذیر) در آسمانها. زیرا که در این هم آه می‌کشیم، چونکه مشتاق هستیم که خانه خود را که از آسمان است بپوشیم (رستاخیز جسمانی)، اگر فی الواقع پوشیده و نه عریان یافت شویم (یک جان بدون بدن نخواهد بود) ... از آن جهت که نمی‌خواهیم این را بیرون کنیم (بدون بدن باشیم) بلکه آن را بپوشیم (می‌خواهیم دارای بدن باشیم). دقت شود که عریان در این آیات به مفهوم بدن بدون لباس نیست، بلکه روح و جان بدون بدن است. پولس پیشتر رفته و می‌نویسد که اگر او در بدن متوطن باقی می‌ماند از خداوند غریب و دور می‌شد. پولس در فیلیپیان ۱: ۲۲-۲۳ عنوان می‌کند که اگر در زیستن به جسم ادامه دهم نمی‌توانم رحلت کنم و با مسیح باشم. سخنان پطرس نیز تقریباً همین است (دوم پطرس ۱: ۱۳).

اغلب مسیحیان بر این باورند که وقتی از این دنیا رخت بریستند، جان آنها بدون بدن در بهشت منتظر خواهد ماند. جان آنها با مسیح تا بازگشت ثانوی او و رستاخیز بدنهایشان در انتظار بسر خواهد برد. بر طبق این دیدگاه، در مابین مرگ و رستاخیز، روح و جان هر کسی علیرغم فقدان بدن، زنده و آگاه باقی خواهد ماند. جان ایمانداران به آسمان و به نزد مسیح خواهد رفت در صورتیکه جان غیر ایمانداران به برزخ رفته و منتظر داوری نهایی باقی خواهد ماند. در کنار عبارات نقل شده بالا، آنانی که پیرو این دیدگاه هستند اشاره به تعلیم عیسی می‌کنند که انسانها می‌توانند از قاتلان جسم باشند اما قادر بر کشتن روح نیستند (متی ۱۰: ۲۸)، و بر اساس رؤیای یوحنا، نفوس (جانهای) سر بریده شده هنوز در طی هفت

سال رنج و عذاب، آگاه و هوشیار بوده و در انتظار رستاخیز آینده بدنهای خود بسر می‌بردند (مکاشفه ۶: ۹؛ ۲۰: ۴). بر طبق این دیدگاه اول، روح یا جان تمامی ایمانداران در بهشت منتظر خواهند ماند، آنها کاملاً هشیار اما بدون بدن و ناکامل هستند (رومیان ۸: ۲۳ مشاهده شود).

گرچه سایرین معتقد هستند که تمامی مسیحیان فوراً پس از مرگ با یک بدن قیام می‌کنند. آنها مفهوم متفاوتی را در دوم قرن‌تیاں ۵: ۱-۱۰ مشاهده می‌کنند. ما نیازی نیست که عریان (یعنی بدون بدن) در انتظار بمانیم، زیرا ما فوراً خانه جاودانی (بدن رستاخیز خود را) خود در آسمانها را دریافت خواهیم کرد. این دیدگاه دوم به راحتی همگون با تعلیماتی نیست که در سایر قسمت‌های کتاب عهد جدید در مورد رستاخیز به عنوان رویدادی در آینده و در روز باز پسین به نگارش درآمده است (یوحنا ۶: ۴۰؛ مکاشفه ۲۰: ۱-۱۵)، یا حتی با تعلیمات پولس نیز همخوانی ندارد زیرا پولس می‌گوید که در هنگام آمدن دوباره مسیح، آنانی که در مسیح مرده‌اند اول قیام خواهند کرد (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸). گرچه این مسیحیان به رویدادهایی از قبیل رستاخیز و آن چیزهایی معتقد هستند که در مکاشفه توصیف شده و هنوز در دوران تاریخ بشری رخ نداده است. چنین رویدادهایی خارج از زمان این دنیا و چنانچه ما می‌دانیم خارج از دوران زندگی امروزی ما رخ خواهد داد. رستاخیز فوری ایمانداران در آسمان و در ابدیت خداوند واقع خواهد شد.

گروه سوم از مسیحیان نیز معتقد هستند که هر کسی (به انضمام ایمانداران) پس از مرگ کاملاً نابود شده و از بین خواهد رفت. خداوند روح، جان و یک بدن جدید را در روز رستاخیز دوباره خلق خواهد کرد. هم بدن و هم روح و جان ما منقرض شده اما دوباره خلق خواهد شد. آنها به واژه خوابیدن اشاره می‌کنند که پولس از آن برای بیان چگونگی وضعیت ایمانداران در هنگام مرگ استفاده کرده است (اول قرن‌تیاں ۱۵: ۵۱؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۳) آنها این آیه را تائیدی بر دیدگاه خود می‌دانند که ما مابین مرگ و رستاخیز نه تنها هوشیار بلکه زنده نیز خواهیم بود. این مسیحیان موافق نظر عبرانیان اولیه هستند که جان انسان نمی‌تواند بدون بدن به حیات خود ادامه دهد. اما آنها فکر نمی‌کنند که این باور فقط بر اساس جهل و نا آگاهی اولیه استوار بوده که سپس بوسیله مکاشفات آتی تصحیح شده است. آنها فکر می‌کنند که این باور حقیقت داشته است. از اینرو اشاره نویسندگان عهد قدیم به روحها یا جانهایی که در برزخ زندگی می‌کنند از دید آنها صرفاً استفاده از سخنان تمثیلی است. این دیدگاه سوم نیز به راحتی در همگونی با آیات کتاب مقدس قرار ندارد آیاتی که توصیف کننده تداوم حیات به دور از بدن یا فوراً به نزد خداوند رفتن است (دوم قرن‌تیاں ۵: ۸). گرچه این مسیحیان توضیح می‌دهند که چنین آیاتی فقط تجربه هوشیاری ایمانداران رستاخیز شده ("بیدار شده") را توصیف می‌کنند. جان مُردگان ایماندار نه دارای حیات و نه دارای تجربه هوشیاری در فاصله مابین مرگ جسمانی و رستاخیز آتی می‌باشد. از اینرو بیدار شدن آنها در یک بدن دوباره خلق شده شاید به نظر اتفاقی بیاید که فوراً پس از مرگ رخ داده است، اما در حقیقت این اتفاق می‌تواند هزاران سال بعد رخ داده باشد

وقتی غیر ایمانداران می‌میرند

برخی از مسیحیان امیدوارند که خداوند تدابیر پر از رحمت و احسانی جهت آنانی داشته باشد که هرگز

نام مسیح را نشنیده‌اند (اول تیموتائوس ۴: ۱۰). اما بسیاری از مردم امروز درباره مسیح شنیده و آگاهانه از پیروی او امتناع کرده‌اند. چه اتفاقی برای آن گروه از مردگانی می‌افتد که عیسی را رد کرده‌اند؟ عهد جدید تعلیم می‌دهد که غیر ایمانداران نیز درست قبل از داوری نهایی که در روی تختی بزرگ و سفید به انجام خواهد رسید از مردگان برخیزانده خواهند شد (مکاشفه ۲۰: ۱۱-۱۵). مهمترین سوالی که درباره غیر ایمانداران وجود دارد این نیست که قبل از روز رستاخیز چه اتفاقی برای آنها رخ می‌دهد، بلکه این است که ” بعد از مورد داوری قرار گرفتن چه اتفاقی برای آنها خواهد افتاد؟“

اغلب مسیحیان معتقد هستند که بدن‌ها و جان‌های غیر ایمانداران بعد از داوری نهایی هوشیار شده و متحمل عذاب ابدی در دریاچه آتش خواهد شد. عیسی جهنم را به عنوان آتش جاودانی و عذاب جاودانی توصیف می‌کند (متی ۲۵: ۴۱، ۴۶؛ با مرقس ۹: ۴۳، ۴۸ مقایسه شود). یوحنا در رؤیای گوگرد مشتعل دید که دود عذاب ایشان تا ابدالاباد بالا می‌رود (مکاشفه ۱۴: ۱۰-۱۱؛ ۲۰: ۱۰، ۱۵). گرچه تصور خوشایندی نیست اما این مسیحیان معتقد هستند که این آموزه عیسی بوده است (لوقا ۱۶: ۲۲-۲۶). برخی از آنانی که پیرو این دیدگاه اول هستند عنوان می‌کنند آنانی که در جهنم متحمل عذاب می‌شوند متحمل آن عذابی نمی‌شوند که ما تصور آنرا در این دنیا داریم یعنی رنج آنها افزون‌تر نشده یا عذاب جدیدی در پایان هر دوره به آن اضافه نمی‌شود، بلکه فقط شامل عذابی بی پایان در یک چرخه ابدی می‌باشد.

سایر مسیحیان دیدگاه دومی را عنوان می‌کنند که عذاب غیر ایمانداران در جهنم ابدی نیست بلکه موقتی است. سرانجام حتی جان آنها نیز کاملاً نابود خواهد شد. عیسی تعلیم می‌دهد آنانی که به او توکل کرده‌اند همانند غیر ایمانداران هلاک نخواهند شد (یوحنا ۳: ۱۶)، و به شنوندگان خود هشدار می‌دهد که بر حذر باشید از خدایی که قادر است بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنم (متی ۱۰: ۲۸). این دومین گروه بخاطر واژه‌هایی از قبیل ” هلاک“ و ” نابود“ بر این باورند که سرانجام کل روح، جان و بدن آنانی که مسیح را رد کرده‌اند کاملاً نابود خواهد شد. گرچه این مجازات نتایج ابدی به بار خواهد آورد، ذهن و فکر غیر ایمانداران نابود و رنج آگاهانه ایشان به پایان خواهد رسید. خارج از همه اینها، جهنم در اصل برای انسانها ساخته نشده است بلکه برای ابلیس و فرشتگان او مهیا شده است (متی ۲۵: ۴۱). احتمالاً شیطان و فرشتگان سقوط کرده او متحمل عذابی آگاهانه و ابدی خواهند شد (مکاشفه ۲۰: ۱۰)؛ اما بر طبق این دیدگاه دوم، افرادی که خبر خوش مسیح را رد کرده‌اند در نهایت نابود خواهند شد و رنج و عذاب آنها به پایان خواهد رسید.

هنوز مسیحیان دیگری نیز وجود دارند که سومین دیدگاه را در مورد وضعیت غیر ایمانداران مُرده بعد از داوری نهایی ارائه می‌دهند. آنها معتقد هستند که بی ایمانان خودشان جان خود را نابود کرده‌اند و بدین خاطر برای خود خواهی‌ها و گناهان خودشان تا ابد متحمل عذاب در جهنم خواهند شد. به عبارتی، آنها خوشان خود را مجازات خواهند کرد. خداوند نمی‌خواهد که هیچ کسی را به جهنم بفرستد. آنانی که در آنجا هستند رحمت و احسان خداوند را رد کرده و از بودن در حضور خداوند امتناع کرده‌اند. به عبارتی دیگر، دروازه جهنم از درون قفل شده است. بر طبق نظرات دیدگاه سوم، ” آتش“ و ” عذاب“ طریقی تمثیلی برای بیان و توصیف جدایی ابدی غیر ایمانداران از خداوند بوده است (دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۹). گرچه تمثیلی هستند اما این واژه‌ها حکایت از یک عذاب واقعی در یک جهنم واقعی دارد. جهنم صرفاً مکانی برای مجازات گناه نیست که خداوند آنرا از میان چندین گزینه متفاوت انتخاب کرده باشد. جهنم

تنها عاقبت ممکن برای گناه است. اگر گناهکاران حضور و فیض خداوند را رد کنند، دیگر قادر به اجتناب از جهنم نیستند. و حکم این است که نور در جهان آمد و مردم ظلمت را بیشتر از نور دوست داشتند (یوحنا ۳: ۱۹). بعلاوه، این مسیحیان معتقد نیستند که خداوند جانهای غیر ایمانداران را نابود می‌سازد. در عوض، غیر ایمانداران بیشترین خصیصه‌های بشری خود را خودشان با تداوام به گناه نابود می‌سازند. مخلوق بشری خلق شده بود تا فقط در حضور خداوند حیات کامل داشته باشد. اما آنانی که جان خود را برای مدتهای مدید در گناه خفه می‌سازند دیگر بیش از این نمی‌توانند در مقابل حضور خداوند دوام آورده و همچنین نمی‌توانند کاملاً مخلوقات انسانی باقی بمانند. یهودا افرادی از این قبیل را بدینسان توصیف می‌کند مثل حیوان غیر ناطق... ابرهای بی آب... دوباره مرده... که برای ایشان تاریکی ظلمت جاودانی مقرر است (یهودا ۱۰-۱۳). بقایای کوچکی که از جان این انسانها باقی می‌ماند متحمل مجازات عذاب ابدی به جهت خود خواهی و گناهان خود ایشان می‌شود.

خلاصه

چه اتفاقی بعد از مرگ رخ می‌دهد؟ عهد قدیم در این زمینه خیلی روشن توضیح نمی‌دهد، و ما باید در این مورد برای بیشترین آموزه‌های موجود به عهد جدید روی بیاوریم. گرچه برخی از مسیحیان بر این باورند که واژه عبرانی "عالم اموات" فقط یک توصیف تمثیلی از گور است، اما بسیاری نیز معتقد هستند که قبل از مرگ مسیح، روح تمامی آنانی که مرده بودند به سرزمین مردگان رفته که به زبان عبرانی "عالم اموات" و به زبان یونانی "برزخ" نامیده می‌شود. آنانی که به خداوند ایمان داشته‌اند به باغی رفته‌اند که بخشی از عالم اموات یا برزخ را تشکیل می‌داده و فردوس خوانده شده است. از این گذشته، بسیاری از مسیحیان نیز بر این باور هستند که وقتی عیسی مُرد، او به برزخ نزول کرد تا برای ارواحی که در آنجا بودند موعظه کرده، ایمانداران را فدیة داده، و آنها را به آسمان برده تا اینکه تا هنگام بازگشت ثانوی او در نزد وی باشند.

اغلب مسیحیان باور دارند که روح و جان ما بدون بدن و بصورتی هشیار و آگاه تا رستاخیز آتی در هنگام بازگشت ثانوی مسیح همچنان در آسمان (بهشت) در انتظار باقی خواهد ماند. سایرین معتقد هستند که مسیحیان بعد از مرگ خود فوراً صاحب یک بدن رستاخیزی در آسمان خواهند شد. و با این وجود، دیگران معتقد هستند که روح، جان و بدن ما در هنگام مرگ کاملاً از بین رفته و تمامی آنها دوباره در روز رستاخیز توسط خداوند خلق خواهد شد. غیر ایمانداران نیز به منظور روبرو شدن با خداوند در روز داوری نهایی از مردگان برخیزانیده خواهند شد. متأسفانه، آنانی که عیسی مسیح را رد کرده‌اند به دریاچه آتش انداخته خواهند شد جایی که همچنان هشیار بوده و متحمل مجازات ابدی شده یا اینکه کاملاً نابود شده و سرانجام عذاب آنها متوقف می‌شود، یا اینکه از قبل اغلب انسانیت ایشان توسط خود آنها نابود شده و از اینرو به تنهایی و تا ابد متحمل عذاب خود خواهی و گناه خود خواهند شد. هر فکری که ما درباره این سوالات بکنیم، مسیحیان باید همیشه به رستاخیز جسمانی ایمان داشته باشند. بدنهای طبیعی و فانی ما خواه بمیرد و یا خواه فوراً در هنگام بازگشت ثانوی مسیح متبدل شود. به هر حال ما صاحب بدنهای مادی و جدیدی خواهیم شد، اما این بدنها مافوق طبیعی و فنا ناپذیر هستند، و آماده برخورداری از لذت و نشاط کامل در آسمان جدید و زمین جدید خواهند بود (اشعیا ۶۶: ۲۲؛ دوم پطرس ۳: ۱۳؛ مکاشفه ۲۱: ۱). در آن هنگام، همه ما قادر خواهیم بود تا با پولس هم صدا شده و بگوییم: "مرگ در ظفر بلعیده شده است... لیکن شکر خدا راست که ما را بواسطه خداوند ما عیسی

(مسیح ظفر می دهد) (اول قرن تیان ۱۵ : ۵۴-۵۷).

منبع: راه مسیح و مسیحیت